

## رویکردها و پرسش‌های بنیادین در تربیت اخلاقی

محمد داوودی\*

### چکیده:

اخلاق و تربیت اخلاقی یکی از ارکان اساسی فرهنگ بشری را تشکیل می‌دهد و به همین سبب، این موضوع از دیرباز در فرهنگ اسلامی مورد توجه بوده و امروزه نیز در بسیاری از کشورها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. نخستین گام برای پژوهش در این زمینه، آشنایی با مسائل و موضوعات مطرح در این قلمرو، و بهترین راه برای آشنایی با موضوعات و اندیشه‌های مطرح در این حیطه، بررسی رویکردهای رایج در آن است. از این رو، این مقاله رویکردهای مطرح در این موضوع را احصا، طبقه‌بندی و نقد و بررسی کرده و بر پایه آن، مسائل و موضوعات اساسی تربیت اخلاقی را استخراج و طبقه‌بندی کرده است. واژگان کلیدی: تربیت اخلاقی، رویکردها، مسائل و موضوعات.

---

\*. عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

## مقدمه

اخلاق و تربیت اخلاقی به دلیل نقش مهمی که در سرنوشت انسان و جامعه دارد، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بشری و پیشوایان دینی بوده است. قسمت اعظم آموزه‌های دینی یهود، مسیحیت، اسلام و دیگر ادیان را اخلاقیات و قسمت بیشتر فعالیت‌های اولیای دین‌های مختلف را تربیت اخلاقی تشکیل می‌دهد. تجربه بشری نشان داده است که انسان، خواه متدین به دینی آسمانی باشد یا نباشد، هیچ‌گاه حتی در دورهٔ مدرن و پسامدرن، هم بی‌نیاز از تربیت اخلاقی نیست. در دوران رنسانس و پس از آن، در کشورهای غربی به دنبال پیشرفت‌هایی که در زمینهٔ علوم تجربی به دست آمد، به تدریج توجه به آموزه‌های اخلاقی و به دنبال آن توجه به تربیت اخلاقی، کم‌رنگ و حتی در مواردی نیز با اخلاق و فضایل اخلاقی مبارزه شد. اما اخیراً به سبب آسیب‌های جدی‌ای که از این ناحیه به سلامت جامعه و افراد وارد شده است، توجه به اخلاق و فضایل اخلاقی و به دنبال آن توجه به تربیت اخلاق، افزایش چشمگیری پیدا کرده است.

آقای دکتر لیکونا در این زمینه می‌گوید:

واقعاً ما را چه می‌شود؟ نوزادان در سط‌های آشغال، یک و نیم میلیون سقط جنین در سال، افزایش مداوم سوء استفاده‌های جنسی از کودکان، در فقر به سر بردن یک چهارم کودکان؟ نسل‌های آیندهٔ ما در پنجاه یا صد سال بعد این امور را چگونه خواهند دید؟ خوشبختانه لازم نیست پنجاه سال انتظار بکشیم تا درباره وضعیت اخلاقی خودمان اتخاذ موضع کنیم. نظرسنجی‌ها یکی پس از دیگری نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از مردم امریکا به این نتیجه رسیده‌اند که این کشور دچار انحطاط معنوی و اخلاقی شده است. این درک و حس رو به رشد وجود دارد که مدارس، خانواده‌ها، کلیساها، همهٔ انجمن‌ها و گروه‌ها - آنهایی که در طول تاریخ مسئول انتقال میراث اخلاقی به جوانان بوده‌اند - باید جمع شوند و به صورت مشترک، منش کودکان و بالأخره فرهنگ ما را ارتقا دهند.

(Lickona, 1)

بدین سبب، امروزه در کشورهای غربی تربیت اخلاقی از موضوعاتی است که بسیار مورد توجه محققان و اساتید دانشگاه و نیز مربیان و مدارس قرار گرفته و تحقیقات

متعدد و متنوعی در این زمینه صورت گرفته و می‌گیرد. در فرهنگ اسلامی نیز آثار متعددی در اخلاق و تربیت اخلاقی توسط دانشمندان قدیم و معاصر به رشته تحریر درآمده و تحقیقات ارزشمندی در این زمینه انجام شده است. یکی از موضوعات مهم در تربیت اخلاقی، رویکردهای گوناگونی است که اندیشمندان و پژوهشگران در باب تربیت اخلاقی اتخاذ کرده‌اند. پرداختن به این رویکردها و نقد و بررسی آنها علاوه بر اینکه کوتاه‌ترین راه برای آشنایی عمیق با تربیت اخلاقی و به دست آوردن تصویری دقیق از آن است، ما را با مسائل و موضوعات مهم و چالش برانگیز این حوزه آشنا کرده و زمینه را برای تحقیق و بازکردن افق‌های جدید در این قلمرو آماده می‌کند.

در این مقاله برآنیم تا رویکردهایی را که در تربیت اخلاقی (در اسلام و غرب) مطرح هستند، معرفی، طبقه‌بندی و نقد و بررسی کرده و مسائل و موضوعات اساسی در تربیت اخلاقی را شناسایی و طبقه‌بندی کنیم، به این امید که گامی هر چند کوچک برای تسهیل امر تحقیق در تربیت اخلاقی برداشته باشیم. برای دستیابی به هدف مذکور به موضوعات ذیل می‌پردازیم:

رویکردهای تربیت اخلاقی در غرب و جهان اسلام، طبقه‌بندی رویکردهای تربیت اخلاقی، نقد و بررسی رویکردها، و مسائل و موضوعات مهم در تربیت اخلاقی.

### رویکردهای تربیت اخلاقی در غرب و جهان اسلام

در باب شمار و چستی رویکردهای موجود در تربیت اخلاقی در میان صاحب‌نظران اتفاق‌نظری وجود ندارد. برخی معتقدند در تربیت اخلاقی دو رویکرد حاکم است: رویکرد فضیلت‌محور و رویکرد اصل‌محور. گرچه ابتدا رویکرد فضیلت‌محور رواج داشت، اما پس از اجرای یک تحقیق درباره تربیت اخلاقی و به دست آمدن نتایج آن، رویکرد فضیلت‌محور به شدت مورد انتقاد قرار گرفت و از رونق افتاد؛ زیرا نتایج تحقیق مذکور مشخص کرد که رفتار اخلاقی دانش‌آموزان نه مبتنی بر صفت‌های نفسانی، بلکه موقعیت‌محور است؛ بدین معنا که دانش‌آموزان بر حسب موقعیتی که در آن قرار داشتند، اخلاقی یا غیر اخلاقی عمل می‌کردند. (Rich, 1991:293)

برخی گفته‌اند در تربیت اخلاقی سه رویکرد متفاوت وجود دارد که عبارتند از: رویکرد ارزش‌ها،<sup>۱</sup> رویکرد بینش‌ها<sup>۲</sup> و رویکرد منش،<sup>۳</sup> (Ryan, 1999: 72) برخی دیگر از دو رویکرد اصلی در تربیت اخلاقی سخن گفته‌اند: رویکرد شناختی<sup>۴</sup> و رویکرد تربیت‌منش.<sup>۵</sup> (Tappan, 141-162) جان الیاس نیز از پنج رویکرد مهم در تربیت اخلاقی نام می‌برد که عبارتند از: اخلاق فضیلت‌گرا،<sup>۶</sup> اخلاق عقل‌گرا،<sup>۷</sup> اخلاق عدالت‌گرا،<sup>۸</sup> اخلاق مراقبت‌گرا،<sup>۹</sup> و اخلاق مبتنی بر نقد اجتماعی.<sup>۱۰</sup> (Elias, 1955, 41-71)

برخی نیز معتقدند در تربیت اخلاقی دو اردوگاه اصلی وجود دارد: اردوگاه آموزش ارزش‌ها<sup>۱۱</sup> و اردوگاه پرورش منش.<sup>۱۲</sup> (Lloyd-Zannini) بولوتین و افرون نیز معتقدند تربیت اخلاقی هفت شهر دارد: شهر پرورش منش،<sup>۱۳</sup> میراث فرهنگی،<sup>۱۴</sup> جامعه عادل،<sup>۱۵</sup> جامعه مراقب،<sup>۱۶</sup> آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز،<sup>۱۷</sup> تحقیقات اخلاقی،<sup>۱۸</sup> و عمل اجتماعی.<sup>۱۹</sup> (Bolotin and Efron) سجادی نیز ده رویکرد را در تربیت اخلاقی معرفی کرده است. این رویکردها عبارتند از:

۱. رویکرد غیر مستقیم یا رویکرد تلویحی و ضمنی؛<sup>۲۰</sup> بدین معنا که عقاید مذهبی و ارزشی باید به صورت تلویحی و ضمنی در برنامه درسی گنجانده شود.

1. The values approach.
2. The views approach.
3. The character approach.
4. Cognitive – developmental approach.
5. Character education approach.
6. The ethic of virtue.
7. Ethic of reason.
8. Ethic of justice.
9. Ethic of care.
10. Ethic of social criticism.
11. Moral education.
12. Character education.
13. Character education.
14. Cultural heritage.
15. Just community.
16. Caring community.
17. Peace education.
18. Ethical inquiry.
19. Social action.
20. Implicit approach.

۲. رویکرد مبتنی بر تأکید بر جنبه‌های ذهنی اخلاق و ارزش‌ها. رویکرد پیاژه و نوکانتیان نمودی از این رویکرد است.
  ۳. رویکرد اخلاق مراقبتی<sup>۱</sup> یا رویکرد مسئولیت اجتماعی.
  ۴. رویکرد پیامدگرا که به اثر و علت رفتارهای اخلاقی توجه دارد و نه به اصول و قواعد اخلاقی.
  ۵. رویکرد الاهیاتی<sup>۲</sup> که رفتارهای اخلاقی را امری فرانسانی می‌داند.
  ۶. رویکرد علمی<sup>۳</sup>، این رویکرد به آثار بیرونی و عینی رفتارهای اخلاقی توجه کرده و آن را ملاک داوری می‌داند.
  ۷. رویکرد تبیین ارزش‌ها،<sup>۴</sup> این رویکرد نیز معتقد است تنها باید ارزش‌ها را برای دانش‌آموزان تبیین کرد و از تلقین آنها خودداری کرد.
  ۸. رویکرد تحلیل ارزش‌ها،<sup>۵</sup> این رویکرد نیز معتقد است باید دانش‌آموز بتواند چرایی ارزش‌های اخلاقی را توجیه کند و این بهترین راه برای آموزش اخلاق است.
  ۹. روان تحلیل‌گری<sup>۶</sup> نیز معتقد است رفتارهای انسان ریشه در ناخودآگاه او دارد و باید تحریکات ناشی از آن کنترل شود.
  ۱۰. یادگیری اجتماعی،<sup>۷</sup> این رویکرد معتقد است انسان از راه مشاهده رفتارهای تقویت شده، انجام رفتارهای اخلاقی را می‌آموزد. بنابراین، آموزش مستقیم، الگوسازی و تقلید و تقویت نقش مهمی در تربیت اخلاقی دارند. (سجادی، بی‌تا: ۱۵۶-۱۵۹)
- تحقیقاتی را که در جهان اسلام درباره تربیت اخلاقی مطرح شده می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: تحقیقات و آثار دانشمندان متقدم و تحقیقات دوره معاصر. با اندکی تسامح می‌توان گفت در آثار دانشمندان متقدم مانند خواجه نصیرالدین طوسی و غزالی، رویکرد حاکم بر تربیت اخلاقی بیشتر رویکرد طبیعی و طبی است؛ بدین معنا که

---

1. Care approach.
2. Theological approach.
3. Scientific approach.
4. Values clarification approach.
5. Values analysis approach.
6. Psychoanalytic approach.
7. Social learning.

معتقد بودند برای ایجاد فضایل و از بین بردن رذایل، باید به طبیعت و طب اقتدا کرد. اقتدا به طبیعت به این معناست که نخست باید به تربیت و تهذیب قوای نفسانی‌ای پرداخت که در انسان پیش از دیگر قوا رشد می‌کند و اقتدا به طب به این معناست که نخست باید سبب رفتارهای نابهنجار اخلاقی را شناسایی و سپس با استفاده از روش‌های مختلف آن را از میان برد و پس از آن سعی کرد حالت سلامت اخلاقی در فرد حفظ شود. در تحقیقاتی که در دوره معاصر درباره تربیت اخلاقی انجام شده می‌توان به دو رویکرد اشاره کرد:

الف) رویکرد استخراج دلالت‌های فلسفه‌های اسلام در تربیت اخلاقی. در این رویکرد محقق می‌کوشد دلالت‌ها و آثار فلسفه اسلامی خاصی را در زمینه تربیت اخلاقی استخراج کند. (رویکرد فلسفی)

ب) کشف و استخراج تربیت اخلاقی از منابع اسلامی، یعنی قرآن و سنت. در این رویکرد محقق مسائل و موضوعات تربیت اخلاقی را به قرآن و سنت عرضه کرده و می‌کوشد پاسخ آنها را از متون دینی استنباط کند. (رویکرد متنی)

از آنچه گفتیم روشن شد که رویکردهای ذیل در تربیت اخلاقی مطرح شده‌اند:

۱. رویکرد فضیلت محور
۲. رویکرد اصل محور
۳. رویکرد الاهیاتی
۴. رویکرد پیامدگرا
۵. رویکرد علمی
۶. رویکرد شناختی
۷. رویکرد تبیین ارزش‌ها
۸. رویکرد ارزش‌ها
۹. رویکرد بینش‌ها
۱۰. رویکرد مبتنی بر تأکید بر جنبه‌های ذهنی اخلاق و ارزش‌ها
۱۱. رویکرد غیر مستقیم یا رویکرد ضمنی
۱۲. اخلاق عدالت‌گرا
۱۳. اخلاق مراقبت‌گرا

۱۴. اخلاق مبتنی بر نقد اجتماعی

۱۵. میراث فرهنگی

۱۶. آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز

۱۷. تحقیقات اخلاقی

۱۸. رویکرد تربیت‌منش

۱۹. یادگیری اجتماعی

۲۰. جامعه عادل

۲۱. جامعه مراقب

۲۲. عمل اجتماعی

۲۳. روان تحلیل‌گری

۲۴. رویکرد فلسفی

۲۵. رویکرد طبیعی - طبی

۲۶. رویکرد متنی

اکنون که به اختصار با رویکردهای تربیت اخلاقی آشنا شدیم لازم است آنها را طبقه‌بندی و نقد و بررسی کنیم.

#### طبقه‌بندی رویکردهای تربیت اخلاقی

نگاهی گذار به رویکردهای تربیت اخلاقی روشن می‌کند که برخی از رویکردها با نام‌های مختلف تکرار شده است. از این رو، برای فهم و درک عمیق رویکردها لازم است نخست رویکردهای تکراری را حذف و سپس آنها را طبقه‌بندی کنیم.

در میان رویکردهای پیش‌گفته به نظر می‌رسد رویکرد تبیین ارزش‌ها و رویکرد تحلیل ارزش‌ها تفاوتی با یکدیگر نداشته باشند؛ زیرا در هر دو رویکرد، مربی می‌کوشد دانش‌آموز را با ارزش‌ها و چرایی آنها آشنا کند و از تلقین ارزش‌ها پرهیز می‌کند. هم‌چنین رویکرد شناختی با رویکرد مبتنی بر تأکید بر جنبه‌های ذهنی اخلاق و ارزش‌ها یکی است.

با قطع نظر از تکرار برخی رویکردها، در یک نگاه کلی، چنین می‌نماید که رویکردهای مطرح در تربیت اخلاقی یا از مکتب‌های حاکم در فلسفه اخلاق یا از مکتب‌های روانشناسی رشد (به‌ویژه رشد شناختی و اخلاقی) و یا از نظریه خاصی در

تربیت اخلاقی سرچشمه می‌گیرند. برای نمونه، رویکرد علمی و رویکرد الهیاتی از مکتب‌های رایج در فلسفه اخلاق هستند که به دلیل تأثیرگذاری بر تربیت اخلاقی در این قلمرو نیز مطرح شده‌اند. رویکرد فضیلت‌محوری و اصل تأثیرگذاری بر تربیت اخلاقی در این قلمرو نیز مطرح شده‌اند. رویکرد فضیلت‌محوری و اصل‌محوری نیز از مباحث و موضوعات مطرح در فلسفه اخلاق سرچشمه می‌گیرند. همچنین رویکرد فلسفی در تربیت اخلاقی که از رویکردهای مطرح در جهان اسلام است نیز در این مقوله قرار دارد. رویکردهای روان‌تحلیل‌گری، یادگیری اجتماعی و رویکرد شناختی از مکتب‌های رایج در روانشناسی سرچشمه گرفته‌اند. سرانجام رویکرد ضمنی، رویکرد تبیین ارزش‌ها و رویکرد منش و رویکرد طبیعی - طبی نیز رویکردهایی هستند که بیشتر منشأ تربیتی دارند.

رویکرد متنی (از رویکردهای اسلامی تربیت اخلاقی) را باید رویکردی بدانیم که هیچ یک از مقوله‌های پیش‌گفته نمی‌گنجد و از این‌رو باید آن را در مقوله مستقلی به نام رویکرد دینی قرار داد.

بدین تربیت، روشن می‌شود که رویکردهای مطرح در تربیت اخلاقی همگی در یک سطح قرار ندارند و می‌توان آنها را در سه سطح رتبه‌بندی کرد:

سطح اول: رویکردهایی که صبغه فلسفی یا دینی دارند.

سطح دوم: رویکردهایی که صبغه روانشناختی دارند.

سطح سوم: رویکردهایی که صبغه تربیتی دارند.

با توجه به اینکه تعلیم و تربیت علمی میان رشته‌ای است و از یافته‌های سایر علوم به ویژه علوم انسانی تجربی استفاده می‌کند، رتبه رویکردهای روانشناختی مقدم بر رویکردهای تربیتی است. از سوی دیگر، رویکردهای مطرح در روانشناسی نیز به گونه‌ای ریشه در رویکردها و مباحث فلسفی و دینی دارند. بنابراین، رویکردهای فلسفی و دینی مقدم بر رویکردهای روانشناختی و رویکردهای روانشناختی نیز مقدم بر رویکردهای تربیتی هستند.

اکنون می‌توان رویکردها را ذیل چهار عنوان کلی دسته‌بندی کرد:

۱. رویکردهای فلسفی
۲. رویکردهای دینی
۳. رویکردهای روانشناختی
۴. رویکردهای تربیتی



تفصیل این دسته‌بندی در جدول ذیل آمده است:

رویکردهای تربیتی	رویکردهای روانشناختی	رویکردهای دینی	رویکردهای فلسفی
رویکرد پرورش توانایی شناخت و فهم و استدلال اخلاقی (که رویکرد ضمنی یا تلویحی، رویکرد تبیین ارزش‌ها، رویکرد بینش و رویکرد تبیین ارزش‌ها، رویکرد بینش و رویکرد تحقیقات اخلاقی را شامل می‌شود)	رویکرد شناختی (تأکید بر جنبه‌های ذهنی و عقلی) رویکرد یادگیری اجتماعی (تأکید بر تأثیر عوامل اجتماعی در یادگیری) رویکرد روان تحلیل‌گیری (تأکید بر تأثیر امور ناخودآگاه بر رفتار انسان)	رویکرد متنی	رویکرد فلسفی اسلامی اخلاق پیامدگرا/ اخلاق علمی اخلاق الهیاتی اخلاق فضیلت محور اخلاق اصل و قاعده محور (که اخلاق عدالت و اخلاق مراقبت و اخلاق همزیستی مسالمت‌آمیز و اخلاق نقد اجتماعی را در برمی‌گیرد.
رویکرد پرورش منش (صفت‌ها و عادت‌های رفتاری اخلاقی که رویکرد عمل اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد)			
رویکرد ترکیبی (که رویکرد جامعه عادل و جامعه مراقب را شامل می‌شود)			
رویکرد طبیعی - طبی			

چنانکه در جدول بالا آمده است رویکردهای فلسفی اسلامی، اخلاق علمی، اخلاق الهیاتی، اخلاق فضیلت‌محور و اخلاق اصل محور رویکردهای اصلی فلسفی هستند و رویکرد اخلاق عدالت، اخلاق مراقبت، اخلاق همزیستی مسالمت‌آمیز و اخلاق نقد اجتماعی از مصادیق رویکرد اصل محور هستند. در رویکردهای روانشناختی نیز سه رویکرد اصلی وجود دارد: رویکرد شناختی، رویکرد یادگیری اجتماعی و رویکرد روانکاوی. رویکردهای تربیتی نیز چهار دسته کلی رویکرد پرورش شناخت و فهم اخلاقی و رویکرد پرورش شناخت و فهم اخلاقی هستند و رویکرد عمل اجتماعی از مصادیق

رویکرد پرورش منش و رویکرد جامعه مراقب و جامعه عادل از مصادیق رویکرد ترکیبی هستند؛ زیرا در این دو رویکرد هم بر پرورش فهم و شناخت و هم بر پرورش صفت‌ها و منش اخلاقی تأکید می‌شود. بدین ترتیب در جمع‌بندی نهایی می‌توان رویکردهای تربیت اخلاقی را به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

رویکردهای دینی	رویکردهای فلسفی	رویکردهای روانشناختی	رویکردهای تربیتی
۱. رویکردهای دینی متنی	۱. رویکردهای فلسفی اسلامی ۲. اخلاق علمی ۳. اخلاق الهیاتی ۴. اخلاق فضیلت‌محور ۵. اخلاق اصل‌محور	۱. رویکرد شناختی ۲. رویکرد یادگیری اجتماعی ۳. رویکرد روان‌تحلیلی	۱. رویکرد پرورش توانایی شناخت و فهم و استدلال اخلاقی ۲. رویکرد پرورش منش ۳. رویکرد ترکیبی ۴. رویکرد طبیعی - طبی

#### نقد و بررسی رویکردها در تربیت اخلاقی

چنانکه در بالا گفته شد، رویکردهای تربیت اخلاقی در چهار مقوله دینی، فلسفی، روانشناختی و تربیتی قرار می‌گیرند. ما نیز در اینجا رویکردهای تربیت اخلاقی را در ذیل چهار عنوان رویکردهای فلسفی، رویکردهای دینی، رویکردهای روانشناختی و رویکردهای تربیتی به اختصار معرفی و نقد و بررسی می‌کنیم. این کار را با رویکردهای فلسفی آغاز می‌کنیم؛ چرا که این رویکردها سرچشمه دیگر انواع رویکردها هستند.

#### رویکردهای فلسفی

چنانکه در جدول بالا آمده است، پنج رویکرد فلسفی در تربیت اخلاقی مطرح است. در اینجا به اختصار هر یک از این رویکردها را بیان می‌کنیم و در پایان رابطه آنها را با یکدیگر بررسی می‌کنیم.

۱. رویکرد فلسفی اسلامی: در این رویکرد چنانکه پیش از این گفته شد، محقق در صدد است دلالت‌های مکتب‌های فلسفی خاص در جهان اسلام را در زمینه تربیت اخلاقی استخراج و بر اساس آنها نظریه‌ای در باب تربیت اخلاقی ارائه نماید.

۲. رویکرد علمی: معیار این رویکرد در بررسی ارزش‌های اخلاقی و داوری درباره خوب یا بد و درست یا نادرست بودن آنها، چنانکه دکتر سجادی گفته‌اند: پیامدهای مثبت یا

منفی آن است. (سجادی، بی تا: ۱۵۶ - ۱۵۹) برای مثال، در این‌گونه اخلاق راستگویی رفتاری خوب و درست است؛ زیرا پیامدهای مثبتی دارد و دروغ‌گویی رفتاری بد و نادرست است، زیرا پیامدهای منفی بر جای می‌گذارد. این رویکرد مورد نقد واقع شده؛ زیرا تنها بر اساس پیامد عمل نمی‌توان درباره ارزش اخلاقی آن داوری کرد و افزون بر پیامد رفتار، نیت و انگیزه رفتار کننده نیز باید مورد توجه قرار گیرد. (ر.ک: فرانکنا، ۱۳۷۶: ۱۵۴)

۳. رویکرد الهیاتی: معیار این رویکرد در بررسی امور اخلاقی و ارزشداوری درباره آنها نه پیامدهای رفتارها، بلکه خواست و اراده خداوند است. در این رویکرد هر رفتار و صفتی را که خداوند در متون دینی خوب دانسته و به آن دستور داده خوب و ارزشمند است و هر رفتار و صفتی را که در متون دینی زشت و نادرست تلقی شده و انسان از آن منع شده، زشت و نادرست و ارزش اخلاقی منفی دارد. بر پایه این رویکرد، برای مثال، نگاه به نامحرم علمی خلاف اخلاق و نادرست و زشت است، خواه برای نگاه‌کننده پیامدی منفی داشته باشد یا نداشته باشد. این تفسیر از اخلاق دینی مورد پذیرش تمام متکلمان مسلمان نیست. متکلمان معتزلی و شیعی معتقدند امر و نهی خداوند مبتنی بر مصالح و مفاسد واقع است. بدین معنا که خداوند از آنچه برای انسان مفسده دارد نهی کرده و به هر چه برای وی مصحلت دارد امر کرده است. بنابراین، امر و نهی خداوند فی حد نفسه معیار حسن و قبح نیست، بلکه حسن و قبح ذاتی اشیا معیار اصلی داوری اخلاقی است.

۴. رویکرد فضیلت‌محور: این رویکرد اخلاق انسانی را متشکل از فضیلت‌هایی خاص می‌داند و بدین سبب، به تفصیل درباره صفتهای مثبت و منفی اخلاقی، شماره آنها، رابطه میان آنها و اصل و فرع بودن آنها بحث می‌کند. این رویکرد در آثار افلاطون و به ویژه ارسطو مطرح شده و در دوره عباسیان با ترجمه آثار یونانی وارد فرهنگ اسلامی شد. این رویکرد در تعلیم و تربیت غربی، به ویژه امریکایی، نیز تا اوایل سده بیستم رواج داشت. اما بنا به گفته مارتین ریچ، پس از اجرای تحقیقی درباره تربیت اخلاقی و اعلام نتایج آن، این رویکرد به شدت مورد انتقاد قرار گرفت و تضعیف شد. زیرا بر پایه نتایج تحقیق مذکور مشخص شد که رفتار اخلاقی دانش‌آموزان نه مبتنی بر صفتهای منشی آنها، بلکه مبتنی بر موقعیت آنهاست؛ بدین معنا که دانش‌آموزان بر حسب موقعیتی که در آن قرار دارند ممکن است اخلاقی یا غیر اخلاقی عمل کنند. از این رو، در این تحقیق

مشخص شد که اکثریت دانش‌آموزان در برخی موارد درست و در برخی موقعیت‌ها نادرست رفتار می‌کردند. (Rich, 1991:293) به علاوه، چنانکه فرانکنا گفته است: «اگر اصول (مانند اصل سود یا اصل نیک‌خواهی و عدالت) را نپذیریم، نمی‌توانیم بدانیم چه خصلت‌هایی باید تقویت یا تلقین شوند.» (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۱۴۵) به عبارت دیگر، چنانکه کانت گفته است: «اصول بدون خصلت‌ها ناتوانند و خصلت‌ها بدون اصول کور.» (همان)

۵. رویکرد اصل‌محور: این رویکرد بر این است که اخلاق مجموعه‌ای از صفات و فضیلت‌های نفسانی نیست، بلکه مجموعه‌ای از اصل‌ها و قاعده‌هاست که رفتارهای ما را در زندگی جهت می‌دهد و هدایت می‌کند. در این رویکرد، شأن اخلاق همان شأن منطق است. چنانکه منطق به یاری اصل‌ها و قاعده‌های منطقی، فکر ما را از کج‌اندیشی و گرفتارشدن در اندیشه‌های ناصواب حفظ می‌کند، اخلاق نیز به کمک اصل‌ها و قاعده‌های اخلاقی ما را از کج‌رفتاری و افتادن در ورطه رفتارهای نادرست نگاه می‌دارد. بنابراین، در این رویکرد، اخلاق منطق رفتار است. اخلاق اصل‌محور در آثار کانت برجستگی پیدا کرد و در سده بیستم، کلبرگ تحقیق درباره‌رشد اخلاقی را بر پایه نظریه اخلاقی کانت شکل داد. پیازه، گیلیگان و دیگر روانشناسانی که درباره‌رشد اخلاقی تحقیقی انجام داده‌اند نیز متعلق به این رویکرد هستند.

مهم‌ترین انتقادی که نسبت به این رویکرد شده است این است که ممکن است اخلاق را مجموعه‌ای از قواعد و اصول رفتار بدانیم، اما باید توجه داشت که تخلق به اخلاق نیکو و عمل کردن بر اساس این قواعد و اصول تنها با دانستن این قواعد حاصل نمی‌شود؛ بلکه علاوه بر علم به قواعد، عادت کردن به رفتار بر طبق این قواعد نیز لازم و ضروری است. بنابراین، دست‌کم، در تربیت اخلاقی نمی‌توان به این رویکرد به تنهایی بسنده کرد. (همان، ۱۴۴ - ۱۴۵)

۶. رویکرد عدالت‌محور: این رویکرد معتقد است اصل و قاعده بنیادین در اخلاق، اصل و قاعده عدالت، یعنی علاقه به خوشبختی دیگران و رفتار منصفانه با آنهاست، اوج رشد اخلاقی هر فرد آن است که به درجه‌ای برسد که بتواند تمام رفتارهای خود و دیگران را براساس عدالت بررسی و درباره آنها ارزشداوری کند. این بدان سبب است که در این رویکرد، عدالت را اصل اخلاقی جهان‌شمول و فرافرهنگی می‌دانند. این رویکرد مبنای تحقیق کلبرگ درباره‌رشد اخلاقی قرار گرفته است. این رویکرد توسط گیلیگان مورد انتقاد واقع شد.

۷. رویکرد اخلاق مراقبت: این رویکرد را گیلیگان مطرح کرده است. او در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که برای بسیاری از افراد اصل بنیادین اخلاقی مراقبت و توجه و محبت است و تعارض‌ها و تضام‌های اخلاقی نیز زمانی برای آنان مطرح می‌شود که اجرای این اصل در عمل با تعارض‌ها و تضام‌هایی مواجه می‌شود. از این‌رو، وی بر خلاف کلبرگ، معتقد است که در اخلاق، نه عدالت، بلکه مراقبت و توجه به دیگران اصل بنیادین است و بدین سبب، بر کلبرگ خرده می‌گیرد که چرا اصل عدالت را برتر از اصل مراقبت نشانده است.

۸. رویکرد همزیستی مسالمت‌آمیز: این رویکرد معتقد است اصل بنیادین اخلاق همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر هموعان، حیوانات و طبیعت است. به همین سبب، این رویکرد سخت با جنگ و آتش‌افروزی میان انسان‌ها و جنگ انسان با حیوان‌ها و پدیده‌های طبیعی و محیط زیست مخالف است.

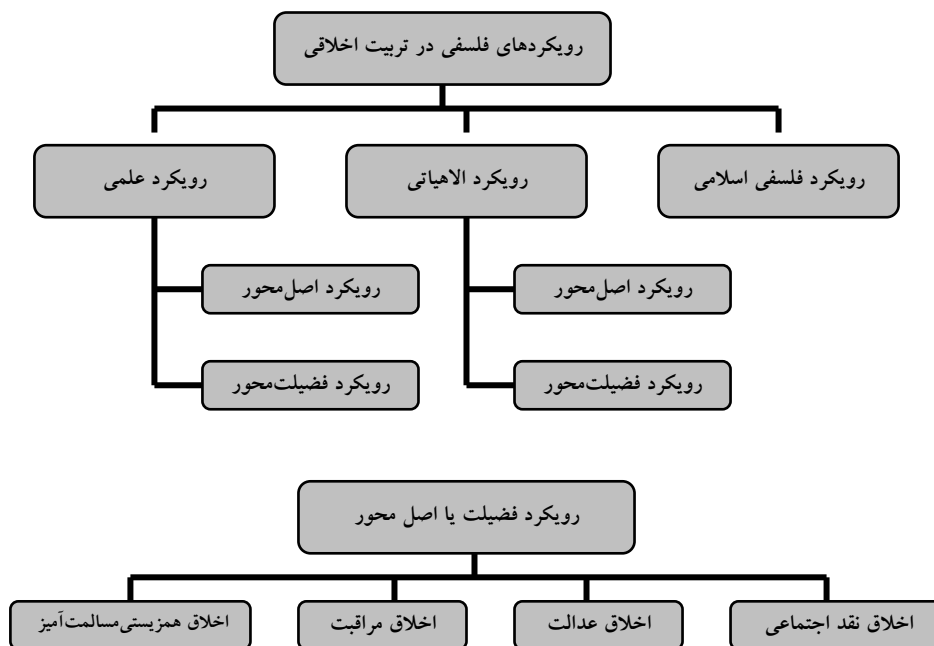
۹. اخلاق نقد اجتماعی به ماهیت سیاسی جامعه توجه دارد و ارزش بنیادین آن عدالت اجتماعی است. هدف این رویکرد تربیت دانش‌آموزانی است که بتوانند موقعیت‌های ناعادلانه اجتماعی را مورد توجه قرار دهند و بتوانند برای تغییر آن تلاش کنند. بنابراین، می‌توان این رویکرد را شاخه‌ای از اخلاق عدالت بشمار آورد.

به نظر می‌رسد مفروض رویکردهای چهارگانه اخیر این است که فضیلت یا اصل بنیادین اخلاقی یکی بیش نیست و آن همان است که هر یک از این رویکردها بر آن تأکید کرده‌اند. اما اثبات این مفروض بسیار مشکل است. از یک‌سو نمی‌توان اثبات کرد که فضیلت یا اصل بنیادین اخلاق یکی بیش نیست؛ از سوی دیگر، نمی‌توان اثبات کرد که فضیلت یا اصل بنیادین اخلاق همان است که هر یک از این رویکردها گفته‌اند.

اکنون در اینجا سئوالی که به ذهن می‌رسد و آن اینکه آیا این رویکردها همگی در یک سطح هستند؟ پاسخ این پرسش منفی است. چراکه با اندکی تأمل روشن می‌شود که رویکردهای چهارگانه اخیر (اخلاق عدالت، مراقبت، همزیستی مسالمت‌آمیز و نقد اجتماعی) مصداقی از رویکرد اخلاق فضیلت‌محور یا اصل‌محور هستند. اگر عدالت، مراقبت، همزیستی مسالمت‌آمیز و عدالت اجتماعی را صفت و فضیلتی نفسانی بدانیم، این رویکردها جزئی از اخلاق فضیلت هستند و اگر آنها را اصل و قاعده‌ای اخلاقی بدانیم، جزئی از اخلاق اصل‌محور می‌شوند.

اما در باب اخلاق الاهیاتی و اخلاق علمی یا پیامدی چه می‌توان گفت؟ رابطه این دو با دو رویکرد اخلاق فضیلت‌محور و اصل‌محور به دو صورت قابل تصور است: نخست آنکه اخلاق الاهیاتی و اخلاق علمی را مصداقی از رویکرد فضیلت‌محور یا اصل‌محور

بدانیم. دوم اینکه به عکس، اخلاق فضیلت محور و اصل محور را مصداقی از رویکرد الاهیاتی یا علمی در نظر بگیریم. بدین ترتیب، در جمع بندی نهایی می توان نمودار رویکردهای فلسفی در تربیت اخلاقی را به صورت زیر ترسیم کرد:



### رویکردهای روانشناختی

چنانکه قبلاً گفته شد، سه رویکرد روانشناختی در منابع مربوط به تربیت اخلاقی مطرح شده است که عبارتند از: رویکرد شناختی، رویکرد یادگیری اجتماعی و رویکرد روان‌تحلیل‌گری. از میان این سه رویکرد تنها رویکرد شناختی است که توجه محققان بسیاری را در تربیت اخلاقی به خود جلب کرده است. رویکرد یادگیری اجتماعی، گرچه در خود روانشناسی مورد توجه قرار گرفته و پژوهش‌های بسیاری موجب شده است، به استقلال در تربیت اخلاقی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. رویکرد روان‌تحلیل‌گری نیز با اینکه می‌تواند نکاتی را در تربیت و تربیت اخلاقی روشن کند و با اینکه می‌تواند در برخی جنبه‌ها به رشد اخلاقی کمک کند، در تربیت اخلاقی کمتر از رویکرد اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. در اینجا به اختصار هر یک از این رویکردها را توضیح می‌دهیم.

۱. **رویکرد شناختی:** در این رویکرد، تأکید بر رشد و پرورش توانایی شناخت اخلاقی دانش‌آموزان و بالابردن میزان آگاهی آنها از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی است. مفروض آن این است که هر گاه دانش‌آموزان از ارزش‌های اخلاقی و رفتاری درست آگاه شوند، خود به خود به سوی آن رفتارها گرایش پیدا کرده و آنها را انجام داده، از رفتارهای ناشایست دوری می‌کنند. (Lloyd, Zannini, Tappan, 141-162) ریشه‌های این رویکرد را می‌توان در یونان باستان در نظریات سقراط جستجو کرد. وی معتقد بود ریشه تمام رفتارهای نادرست انسان جهل و نادانی است. اگر انسان زشت‌کار واقعاً از رشتی رفتارهای خود آگاه باشد، هیچ‌گاه مرتکب آن نخواهد شد.

رویکرد شناختی در روانشناسی با تحقیقات پی‌اژه به اوج خود رسید. کلبِرگ این رویکرد را وارد عرصه روانشناسی اخلاق کرد و با استفاده از آن کوشید رشد اخلاقی در انسان را بررسی و مراحل آن را تبیین کند. وی در تحقیقات خود در صدد بود برای این پرسش‌ها پاسخی بیابد: کودکان امور اخلاقی را از چه سنی درک می‌کنند؟ درک و فهم اخلاقی آنان چگونه رشد می‌کند؟ از چه عواملی متأثر می‌شود؟ و چه مراحل را طی

می‌کند؟ انگیزه او برای انجام این تحقیق این بود که با پیدا کردن پاسخ‌هایی مناسب برای پرسش‌های بالا، تربیت اخلاقی را بر مبنایی علمی و محکم، استوار سازد. وی پس از تحقیقات بسیار به این نتیجه رسید که رشد اخلاقی در انسان با گذر از مرحله‌های مشخص و ثابتی صورت می‌گیرد. این مراحل همه فرهنگ‌ها و نژادها ثابت است، گرچه ممکن است زمان مورد نیاز برای گذار از این مراحل و نیز زمان ورود به هریک از آنها در فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف، متفاوت باشد.

این رویکرد مورد انتقاد روانشناسان واقع شده است. مهم‌ترین نقدی که بر این رویکرد وارد شده این است که نمی‌توان همه رفتارهای انسان را براساس شناخت و آگاهی او تفسیر و تبیین کرد؛ زیرا رفتارهای انسان افزون بر شناخت از عوامل دیگری مانند عواطف و احساسات و نیز عوامل محیطی تأثیر می‌پذیرد. (ر.ک: پروین، ۱۳۷۲: ۳۱۴ - ۳۱۵؛ باقری، ۱۳۷۷: ۲۰۲ - ۲۰۴)

۲. **رویکرد یادگیری اجتماعی:** این رویکرد معتقد است یادگیری در انسان امری فردی نیست، بلکه افزون بر عوامل فردی، عوامل اجتماعی مانند مشاهده رفتار دیگران، تقویت رفتارهای الگو توسط دیگران نیز بر یادگیری مؤثر است. بر اساس این رویکرد، الگوها و تقلید از آنها نقش مهمی در یادگیری انسان و رشد شناختی و اخلاقی او دارند. این رویکرد نیز گرچه افزون بر شناخت به عوامل محیطی نیز توجه کرده است، مورد انتقاد قرار گرفته است. برخی معتقدند این نظریه هنوز یک نظریه سازمانیافته و یکنواخت نیست. برخی از مفاهیم مطرح شده در این نظریه به شدت مورد انتقاد است و به برخی از موضوعات مهم بی‌توجهی یا کم‌توجهی کرده است. (ر.ک: پروین، ۱۳۷۲: ۱۸۴ - ۱۸۸)

۳. **رویکرد روان‌تحلیل‌گری:** این رویکرد که توسط فروید مطرح شد، بر آن است که یادگیری انسان یکسره متأثر از انگیزه‌ها و گرایش‌های ناآگاهانه نیست، بلکه انگیزه‌ها و گرایش‌های ناآگاهانه وی نیز بر رفتارهای مؤثر است.

این رویکرد توانست یک نکته مهم را در مورد رفتارهای آدمی روشن کند و آن تأثیر انگیزه‌ها و گرایش‌های ناآگاهانه در رفتار آدمی است. با وجود این، انتقادات اساسی‌ای از



این رویکرد شده است تا جایی که برخی گفته‌اند: «آنچه در اختیار داریم نظریه‌ای است که گاهی گیج‌کننده و در اغلب موارد آزمون کردن آن دشوار است.» (پروین، ۱۳۷۲: ۱، ۱۸۸)

### رویکردهای تربیتی

چنانکه در جدول رویکردها آمده، نه رویکرد تربیتی در منابع تربیت اخلاقی مطرح است که عبارتند از:

۱. رویکرد پرورش توانایی شناخت، فهم و استدلال اخلاقی.

۲. رویکرد پرورش منش، (صفت‌ها و عادت‌های رفتاری اخلاقی)

۳. رویکرد ترکیبی

۴. رویکرد طبیعی - طبی

این رویکردها را به اختصار در ذیل معرفی می‌کنیم:

۱. رویکرد پرورش توانایی شناخت، فهم و استدلال اخلاقی: این رویکرد بیشتر متأثر از رویکرد شناختی در روانشناسی است. کاربرد رویکرد شناختی در روانشناسی در مطالعه رشد شناخت اخلاقی به نتایج درباره سن پیدایش فهم و درک اخلاقی در کودکان، چگونگی رشد و تکامل فهم و درک اخلاقی، مراحل آن و عوامل مؤثر بر رشد و تکامل آن انجامید. این یافته‌ها در تربیت اخلاقی به کار گرفته شد و طرفداران این رویکرد، به این قاعده بنیادین رسیدند که برای رسیدن به هدف تربیت اخلاقی راهی جز پرورش و رشد دادن توانایی فهم و درک کودکان از ارزش‌های اخلاقی و رفتارهای درست و نادرست وجود ندارد. (Tappan, 141-162) بنابراین، هدف اساسی تربیت اخلاقی این است که برنامه‌ی درسی‌ای تدوین و روش‌هایی را به معلمان معرفی کند تا بتوانند به بهترین وجه توانایی شناخت اخلاقی کودکان را رشد دهند.

این رویکرد در درون خود به رویکردهایی فرعی تقسیم شده است که برای نمونه می‌توان از رویکردهای ضمنی، تبیین ارزش‌ها و تحقیقات اخلاقی نام برد. در ذیل هر یک از اینها را به اختصار معرفی و نقد و بررسی می‌کنیم.

الف) رویکرد تلویحی یا ضمنی: دکتر سجادی درباره این رویکرد می‌گوید:

برای تعلیم و تربیت اخلاقی و ارزشی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین رویکردها رویکرد غیر مستقیم یا رویکرد تلویحی و ضمنی است. بر اساس این رویکرد، عقاید مذهبی و ارزشی باید به طور تلویحی و ضمنی در تجربه کودک و در موضوعاتی که برنامه درسی مدارس او را شکل می‌دهند، نهفته و مسمت باشد. (سجادی، بی‌تا: ۱۵۶ - ۱۵۷)

گرچه ارائه آموزش‌های اخلاقی و ارزشی به صورت ضمنی مزایایی دارد و بر تأثیر تربیت اخلاقی می‌افزاید، اما آیا می‌توان همه آموزه‌های اخلاقی را به صورت ضمنی به دانش‌آموزان آموزش داد؟ چنین می‌نماید که این کار امکان ندارد. بنابراین، تربیت اخلاقی نمی‌تواند به این رویکرد بسنده کند و افزون بر این به رویکردهای دیگری مانند تبیین ارزش‌ها نیز نیازمند است.

ب) رویکرد تبیین ارزش‌ها: در این رویکرد مراد از ارزش‌ها چیزهایی است که فرد آن را می‌خواهد، آرزوی دست‌یافتن به آن را دارد یا برای آن ارزشی قائل است. کانون توجه این رویکرد به آشنا کردن دانش‌آموزان با ارزش‌هاست. اما قاعده تخلف‌ناپذیر در این رویکرد این است که معلم نباید ارزش‌های خود را به دانش‌آموزان دیکته کند، بلکه باید تنها آنان را از اینکه برای چه چیزهایی ارزش قائل هستند و اینکه چگونه ارزش‌گذاری می‌کنند بی‌گهانند تا آنان از ارزش‌های خود درک و فهم روشنی به دست آورند و بتوانند در انتخاب‌های اخلاقی خود گزینه بهتر را انتخاب کنند.

ضعف اساسی این رویکرد این است که از ادای وظیفه اساسی تربیت اخلاقی یعنی آموزش و انتقال بهترین ارزش‌های مقبول جامعه به نسل جدید، شانه خالی می‌کند، به این بهانه که این کار مترادف با تلقین ارزش‌هاست. (Rayan, 1999:72)

۷. رویکرد بینش‌ها: در این رویکرد تأکید بر ایجاد بینش‌های مثبت نسبت به ارزش‌ها و رفتارهای اخلاقی است. مراد از بینش نیز موضع‌گیری ذهنی‌ای است که کسی نسبت به امور اتخاذ می‌کند. در این رویکرد وظیفه معلم این است که از راه بحث درباره موضوعات اخلاقی چالشی، بینش دانش‌آموزان نسبت به امور اخلاقی را شکل دهد.

ضعف اساسی این رویکرد این است که تنها به ایجاد بینش مثبت نسبت به امور اخلاقی توجه دارد و به رفتار و سبک زندگی دانش‌آموزان توجهی نمی‌کند. (Ibid)

۸. رویکرد تحقیقات اخلاقی: در این رویکرد، تربیت اخلاقی به معنای وارد شدن در بحثی است که محور آن را مشکلات اخلاقی تشکیل می‌دهند. بدین صورت، توانایی استدلال و درک و فهم اخلاقی دانش‌آموزان رشد کرده و وی به مرحله بالاتری از شناخت اخلاقی صعود می‌کند.

نقش معلم این است که دانش‌آموزان را در بحث درباره ارزش‌ها که به موضوعات درسی تزریق شده است، هدایت کند. این امر موجب رشد آگاهی آنها از پیامدهای عمل اخلاقی، غیر اخلاقی و خلاف اخلاق می‌شود.

این رویکرد دو مزیت عمده دارد: ۱- روش خوبی برای تلفیق تربیت اخلاقی با موضوعات علمی است؛ ب) به آنان کمک می‌کند تا دیدگاه‌های دیگران را بفهمد و مورد توجه قرار دهند و به آنان هویت اخلاقی می‌دهد. از سوی دیگر، دو ضعف عمده نیز دارد: الف) روشن نیست که آیا آنچه آموزش داده می‌شود، ارزش اخلاقی است یا خیر. ب) این رویکرد تنها به بعد شناختی اهمیت می‌دهد و به بعد علمی و رفتاری دانش‌آموزان توجهی ندارد. (Bolotin and Efron)

۲. رویکرد پرورش منش اخلاقی (صفت‌ها و عادت‌های رفتاری اخلاقی): این رویکرد بر خلاف رویکرد شناختی که تنها به ذهن دانش‌آموز و آگاهی‌های اخلاقی او توجه داشت، به پرورش منش اخلاقی دانش‌آموزان توجه دارد؛ زیرا معتقد است پرورش شناخت و استدلال اخلاقی در کودکان به تنهایی موجب نمی‌شود آنان اخلاقی زندگی و رفتار کنند. (Tappan, 141-162) بر اساس این رویکرد، آنچه در تربیت اخلاقی اهمیت دارد و موجب می‌شود زندگی دانش‌آموز و رفتارهای او اخلاقی شود، منش اخلاقی است. منش اخلاقی نیز تنها از راه تکرار و تمرین رفتارهای اخلاقی که منجر به پیدایش عادت‌های اخلاقی مناسب می‌شود، به دست می‌آید.

کودکان برای انجام دادن برخی رفتارها و چشم‌پوشی از برخی دیگر و به دیگر سخن، برای گزینش رفتار صحیح و تکرار و تمرین آنها نیاز به راهنمایی و هدایت مستقیم و نیز

مشاهده زندگی و رفتارهای اخلاقی بزرگسالان، به ویژه معلمانی دارند که برای آنها الگو هستند. (Bolotin and Efron) از این رو، در این رویکرد، نقش معلمان، والدین و بزرگسالان در تربیت اخلاقی غیر قابل انکار و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در کشورهای غربی به ویژه آمریکا از دهه ۷۰ میلادی این رویکرد مورد توجه قرار گرفته و رواج یافته است. (Leming, 2) لوید زینینگ می‌گوید:

طرفداران این دیدگاه معتقدند برای پرورش کودکانی اخلاقی، لازم است در رفتارهای آنان مداخله کنیم. افزون بر این، کودکان باید ببینند دیگران چگونه اخلاقی و عادلانه زندگی می‌کنند تا از رفتارهای آنان تقلید کنند. و این، بنیانگذار این دیدگاه می‌گوید: منش خوب اکتسابی است نه آموزش دادنی. دکتر لاری و دکتر لیکونا و بنت و کیلیاتریک از طرفداران و برجستگان این دیدگاه هستند. (Lloyd-Zannini)

این رویکرد متأثر از رویکرد فلسفی «اخلاق فضیلت‌محور» است. بنابراین، همان انتقادی که بر اخلاق فضیلت‌محور وارد بود دامنگیر این رویکرد نیز می‌شود و آن اینکه پرورش عادت‌های رفتاری خوب (فضیلت‌های اخلاقی) بدون ایجاد شناخت و آگاهی لازم نمی‌تواند هدف تربیت اخلاقی را که تربیت افرادی به لحاظ اخلاقی مستقل است، محقق سازد. بنابراین، در تربیت اخلاقی نمی‌توان تنها به رویکرد پرورش منش بسنده کرد. بلکه باید در کنار پرورش عادت‌ها و رفتارهای نیکو در دانش‌آموزان توانایی شناخت و استدلال اخلاقی آنها را نیز پرورش داد. افزون بر این، چنانکه تاپان گفته است، طرفداران این رویکرد «نمی‌توانند تبیین کنند چرا رویکرد آنها مؤثر و کارآمد و رویکرد شناختی ناکارآمد است و این همان نقطه ضعف اساسی این رویکرد است.» (Tappan, Mark B., 141-162)

۳. رویکرد ترکیبی: این رویکرد معتقد است برای دستیابی به اهداف تربیت اخلاقی راهی جز استفاده کردن از هر دو رویکرد شناختی و پرورش‌منش وجود ندارد. به همین سبب می‌کوشد هر دو نظریه را ترکیب کرده و بر اساس آن به رویکردهایی نو در تربیت اخلاقی دست یابد. جامعه عادل، جامعه مراقب و عمل اجتماعی در این مقوله قرار دارند. در ذیل هر یک از این رویکردها را به اختصار معرفی و نقد و بررسی می‌کنیم.

الف) جامعه عادل: این رویکرد ارزش بنیادین اخلاق را عدالت می‌داند و معتقد است برای دستیابی به هدف تربیت اخلاقی دانش‌آموزان، لازم است مدرسه و کلاس درس به محیطی مردم‌سالارانه تبدیل شود تا دانش‌آموزان بتوانند درباره معضلات اخلاقی تأمل کنند و با تصمیم‌گیری جمعی مبتنی بر عدالت و انصاف آشنا شوند. بدین صورت، توانایی درک و فهم و استدلال اخلاقی دانش‌آموزان رشد کرده و به سطحی بالاتر ارتقا می‌یابد. افزون بر این، چون همه افراد خود را متعهد به عدالت می‌دانند، زمینه‌های مناسب فراهم می‌آید که دانش‌آموزان را به انجام دادن رفتارهای عادلانه تشویق کرده و از رفتارهای نابهنجار باز می‌دارد.

این رویکرد دو برجستگی دارد: (۱) عدالت را حامی و تضمین‌کننده حقوق افراد می‌داند و (۲) دانش‌آموزان احساس می‌کنند که نظرات آنها مؤثر است؛ زیرا بررسی‌های آنها بر موارد و مشکلات عینی و روزمره اخلاقی متمرکز است. در مقابل مشکلاتی نیز دارد: ۱. زمان زیادی لازم است تا دانش‌آموزان به یکدیگر و به معلمان خود اعتماد پیدا کنند؛ ۲. معلمان آموزش‌های لازم برای آشنا کردن دانش‌آموزان با ارزش‌های مردم‌سالاری را ندارد. (Bolotin and Efron)

ب) رویکرد جامعه مراقب: این رویکرد مدرسه را چون خانواده و دست‌اندرکاران آن را چون اعضای خانواده می‌داند. بنا بر این، چنانکه اعضای خانواده همیشه مراقب یکدیگر هستند، روابط نزدیک، صمیمی، عاطفی و همراه با احترام با یکدیگر دارند، دست‌اندرکاران مدرسه نیز با یکدیگر و با دانش‌آموزان و دانش‌آموزان با یکدیگر باید چنین رابطه‌ای داشته باشند. محتوای برنامه درسی و تجربیات متناسب با محیط مدرسه و کلاس متفاوت است. افزون بر این، در این مدرسه افراد متفاوت می‌توانند در کنار یکدیگر در یک کلاس شرکت کنند.

این رویکرد کاملاً متأثر از رویکرد اخلاق مراقبت است و نقاط قوتی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از اینکه: (۱) دانش‌آموزان محیط مدرسه را امن، عادلانه، مراقب و مشوق یادگیری احساس می‌کنند؛ (۲) چنین محیطی آنان را وامی‌دارد تا از رفتارهای نابهنجار دوری کرده و مراقب یکدیگر باشند.

مهم‌ترین نقطه ضعف این رویکرد این است که معلمان همیشه و در هر شرایطی نمی‌توانند چنین محیطی را فراهم کنند. افزون بر این، در مواردی که چنین فضایی به شدت مورد نیاز است، مدارس نمی‌توانند امکانات لازم برای آن را فراهم آورند. (Bolotin and Efron)

رویکردهای فلسفی در تربیت اخلاقی به دو دسته رویکرد وحيانی (دینی یا الهیاتی) و رویکرد علمی و هر یک از این دو رویکرد نیز به دو دسته رویکرد اخلاق فضیلت‌محور و اخلاق اصل‌محور تقسیم می‌شوند. این دو رویکرد نیز در عمل در قالب رویکردهای اخلاق عدالت، اخلاق مراقبت، اخلاق همزیستی اجتماعی و اخلاق نقد اجتماعی تجلی پیدا کرده‌اند.

رویکردهای روانشناختی نیز عبارتند از: رویکرد شناختی، رویکرد یادگیری اجتماعی و روان‌تحلیل‌گری تقسیم می‌شوند.

رویکردهای تربیتی بنیادین عبارتند از رویکرد پرورش شناخت (عقل‌پروری) و رویکرد پرورش منش (منش‌پروری)، رویکرد ترکیبی و رویکرد طبی - طبیعی. رویکردهای بینش، تبیین ارزش‌ها و تحقیقات اخلاقی رویکردهای روشی برای دست یافتن به اهداف رویکرد شناختی و رویکرد عقل‌پروری و منش‌پروری قابل استفاده هستند. رویکرد عمل اجتماعی رویکردی است که ریشه در رویکرد پرورش منش دارد. در این رویکردها مسائل و موضوعاتی مطرح است که نیازمند تحقیق و بررسی بیشتر هستند تا بتوانیم نظریه‌ای تربیتی مناسب با کشور خود ارائه کنیم. این مسائل و موضوعات را در بالا بیان کردیم و در اینجا از تکرار آنها دوری می‌کنیم.

### منابع و مأخذ

۱. باقری، خسرو، ۱۳۷۷، مبانی شیوه‌های تربیت اخلاقی (نقد تطبیقی علم اخلاق و روانشناسی معاصر)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲. پروین، لارنس ای، ۱۳۷۲، روانشناسی شخصیت، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

۳. سجادی، سید مهدی (بی‌تا)، رویکردها و روش‌های تربیت اخلاقی و ارزشی، بازنگری و نوع‌شناسی، پژوهش‌های علوم انسانی.

4- Elias, John, I. 1995, *Philosophy of Education: classic and contemporary*; Florida, Krieger publishing company.

5- Bolotin, Joseph Pamela and Sara Erfon, *Seven Worlds of Moral Education*.

6- Leming, James S, *Moral Education In Twentieth – Century America*.

7- Lickona, Thomas, *Teacher's Role in Character Education*.

8- Rich, John Martin,